

ساختار سندشناسی و توصیف یک مصالحه-نامه از تاریخ لرستان

(روزگار فتحعلی - شاه قاجار: ۱۲۴۱ ق .)

محسن روستایی

سندپژوه و فهرست-نویس اسناد تاریخی

مصالحه-نامه یا صلح-نامه از جمله رایج-ترین اسناد شرعی است که به وفور در مسیر تحولات تاریخ اجتماعی ایران، بخصوص در عهد قاجاریه، میان طبقات مختلف جامعه ایرانی منعقد می-شده است و این سند تاریخی از انواع قباجات و اوراق صریحه و سندی، یعنی اسناد حقوقی-مالی است که مبتنی بر احکام فقه شیعه اثنی عشریه سندنویسی می-شده است؛ و علی-الاصول در سازمان اسناد ملی ایران و سایر مراکز سندی و آرشیوی و حتی در میان اهالی ایران و خاندان-های مختلف تاریخی، بسیار و صد چندان از این نوع سند دیده می-شود. و اتفاقاً تنوع قابل وصفی هم در فرم، محتوا و ادبیات درون متنی آنها به چشم می-خورد. تا جایی که هر چه سندپژوهان در این زمینه کار زحمت-افزایی بکشند، باز هم جای و جایگاه پژوهشی این-گونه اسناد چه به لحاظ تاریخی و چه از منظر مبانی و اسلوب سندشناسی حرف و نقلش به پایان نخواهد رسید.^۱

مصالحه: در لغت به معنی آشتی دو گروه، مسالمت، صلح کردن. در اصطلاح فقهی عقدی که به موجب آن طرفین تراضی و تسالم کنند بر تملیک چیزی به کسی اعم از عین یا منفعت یا اسقاط دین از کسی و جز آن.^۲ به عبارتی هر توافق که به صورت یکی از عقود معین (مانند: بیع، رهن، اجاره و جز اینها) نباشد، اسم آن مصالحه و عقد صلح است. بصورت قاعده کلی برای عقود بی-نام به دلیل حدیث متفق-علیه خاصه و عامه یعنی: «اصح جائز بین-المسلمین الا صلحاً احل حراماً او حرم حلالاً». یعنی توافق بین افراد مسلمان نافذ و درست است مگر توافقی که نتیجه آن روا شمردن امر نامشروع باشد و یا موجب سلب حقوق تعهدکننده شود.^۳

^۱ بدین منظور ر.ک: آرشیو سازمان اسناد ملی ...، که از طریق کلیدواژه مصالحه نامه و قباجات و اسناد ملکی و حقوقی، می توان به نمونه های بیشماری از مصالحه نامه ها دسترسی پیدا کرد و در عین حال سیر تحول قباجه نویسی در دوره های مختلف تاریخی، از مشاهده این گونه اسناد آشکار می گردد. از دیگر سوی برای آگاهی بیشتر ن.ک: غلامحسین بیگدلی، تاریخ بیگدلی (مدارک و اسناد)، تهران، بوعلی، ۱۳۶۱، اکثر صفحات. و نیز بنگرید: امید رضایی، جستارهایی در سندشناسی فارسی، تهران، بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ و وقف، ۱۳۸۵، ص ۶۳-۹۶.

^۲ ن.ک: لغتنامه دهخدا، دوره جدید، ذیل مدخل مصالحه، ج ۱۲، ص ۱۸۵۴ و نیز ن.ک: روح الله ... خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۶۹.

^۳ ر.ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد، ۱۳۶۳، ص ۷۵۶.

با این توضیح که مصالحه رضایت طرفین و سازش بر چیزی از قبیل تملیک عین یا منفعت یا ساقط نمودن دین با حق و غیر اینها و شرط آن نیست که مسبوق به نزاع باشد و در واقع ساختن صلح بر هر چیزی غیر از آنچه استفاده شده و در هر مقامی جایز است، مگر این که حلالی را حرام یا حرامی را حلال نماید. صلح مترادف مصالح است.^۴ افزون بر آنچه گفته شد اگر صلح از عقود با نام بود، بیان این حکم در خصوص آن عقد بی-نام لغو بود، زیرا بیع همان حکم را دارد یعنی هر بیع جایز است مگر بیعی که حرامی را حلال کند و یا حلالی را حرام نماید و هکذا ... هر عقد با نام دیگر یعنی صلح به عنوان یک عقد معین (بالفرض) خصوصی ندارد که آن نص درباره او گفته شود. آن نص برای صلح به عنوان عقد بی-نام می-تواند محمل عقلانی داشته باشد. آنکه فقه آموخته است غفلت از این نکته نمی-کند و به مذاق شرع آگاهی دارد ...^۵

مصالحه-نامه: قرارداد صلحی است که بین دو کس یا دو گروه مکتوب کنند و بدان اختلاف از میان بردارند. نوشته ای که به موجب آن مالی یا چیزی را به کس یا کسانی بذل یا هبه کنند. مصالحه-نامه در اصل ورقه-ای است دال بر مصالحه و واگذاری. در اصل مصالحه-نامه نوعی واگذاری است که گرچه بابت آن واگذاری، وجهی دریافت می-شود. اما با نوعی صلح و رضایت میان طرفین همراه است به طوری که در اکثر مصالحه-نامه-ها عبارت از روی رضا و رغبت، بدون اکراه و اجبار در یمین صحت مزاج و در کمال عقل و اختیار و دون شائبه و اکراه و اجبار آمده است که معمولاً هم در این گونه اسناد اصطلاحات خاص حقوقی-فقهی و سندی نیز به کار می-رود که درک مفهوم آنها بدون رجوع به کتب فقهی و شرعی و ترمینولوژی-های حقوقی امکان-پذیر نیست. و از آن جا که این گونه اسناد از گذشته-های دور در میان مردم متداول و رایج بوده و جایگاه مهم و شأن بالا را در تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایفا می-کرده است؛ بررسی مفهوم و معنای این واژگان ضروری به نظر می-رسد.^۶

در اصل صلح عقدی است که می-توان نتیجه عقود را از آن استنتاج نمود. لذا شیخ طوسی این عقد را عقد مستقل ندانسته بلکه آن را فرع عقود پنجگانه (بیع، هبه، اجاره، عاریه، و ابراء)^۷ شمرده است. اما از آن جا که استنتاج نتایج عقود دلیل بر فرعیت نیست. آنچه در این قد انشاء می-شود؛ سازش و تسالم است و این غیر از چیزی است که در سایر عقود انشاء می-شود. بنابراین عقد مستقلی است ولو نتیجه سایر عقود را بدهد.^۹ به عبارتی شرایط مطلق هیچ عقدی را ندارد اما همه آنها را پوشش می-دهد. صلح، گاه برای رفع نزاع بین و گاهی جای بیع و اجاره و سایر معاملات واقع می-شود. مثل اینکه کسی بخواهد خانه-ای را به مبلغی بفروشد و یا آن را به مبلغی صلح کند که همان فایده بیع را دارد. ولی بعضی شرایط در آن نیست و اگر بخواهد خانه-ای را اجاره دهد؛ منافع آن را صلح می-کند. این کار مثل آن است که خانه را اجاره داده باشد. اگر بخواهد چیزی را ببخشد و عوض صیغه هبه، صیغه صلح بخواند فایده هبه را می-دهد. اما هبه، چون عقد کامل فسخ (/ جایز) است، ولی صلح چون عقد لازم است فسخ-ناپذیر است. در بعضی عقود مثل نکاح و طلاق و عتق (آزادنامه) نمی-شود صلح کرد. چون فایده آن عقود را ندارد.^{۱۰}

۴. ن. ک: محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۱۶۴.

۵. ر. ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ج پنجم، ص ۳۳۷۹-۳۳۸۱.

۶. ن. ک: فاطمه جهان پور، بررسی چند اصطلاح در مصالحه نامه‌ها، مجله گنجینه اسناد، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۱۳۸۰، ص ۷۹ و ۸۰.

۷. عاریه: عقدی که براساس آن شخصی به دیگری اجازه می دهد که از مال او به طور رایگان استفاده کند. (ن. ک: فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۳۲).

۸. ابراء: چشم پوشی اختیاری بستانکار از طلب خود. ابراء از ایقاعات است و لازم است. ابراء در فقه یعنی اسقاط ذمه غیر-خواه ذمه مالی باشد یا غیر مالی، مانند حق قصاص. (ر. ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، همان، ص ۲).

۹. ر. ک: ابوالقاسم گرچی، مالکیت در اسلام، مجله تحقیقات اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۶۵، ص ۲۶.

۱۰. ن. ک: محمد فاطمی قمی (حاج سید)، فقه فارسی، به کوشش ناصر دولت آبادی، تهران، ... آوا، ۱۳۷۷، ص ۳۶ و ۳۷.

معرفی سند

منشأ: مجموعه شخصی سید یدالله ستوده^{۱۵}

عنوان: مصالحه - نامه

دوره تاریخی: قاجاریه / فتحعلی - شاه: ۱۲۴۱ق.

وابستگی اقلیمی: لرستان، خرم - آباد فیلی

زبان: فارسی / عربی

خط: شکسته نستعلیق تحریری (عامیانه / بی - نقطه)

شرح محتوایی سند: مصالحه و اگذاری یک قطعه باغچه (شش دانگی) واقع در پایین گرداب بردینه - مصالح: آقا قاسم ولد کربلایی حسن نقدی خرم - آبادی؛ متصالح: آقا سیدعزیزالله ولد آقا سید محمدصادق؛ به مال - الصلح: مبلغ چهارده تومان تبریزی ...
توصیف گرها: ۱۲۴۱ق. لرستان، خرم - آباد، عقود شرعی، مصالحه - نامه (صلح - نامه)، املاک و مستغلات، گرداب، نهر، پول / مسکوکات، سادات، ارث / میراث، مهر، گواهی / شهود^{۱۶}

بازخوانی متن سند

بسم - الله الرحمن الرحيم

هوالمالک بالاستحقاق

۱. بعدالحمد والصلوة باعث بر تحریر و تسطیر این کلمات صحت شرعیت الدلالات آن است که / ۲. حاضر گردید توفیق آثار آقا قاسم ولد مرحوم کربلایی حسن نقدی؟ خرم - آبادی - الاصل والمسکن در حالی که جمیع عقود شرعیه / ۳. و قاطبه معاملات ملیه اسلامیه اثنا عشریه از مومی - الیه نافذ و محور و ممضی و معتبر بوده بالطوع والرغبه والاختیار من غیر / ۴. شائبه الاکراه والاجبار و صلح صحیح صریح معتبر شرعی نمود. تمامی و جملگی کل حصه و رسد موروثی پدری متصرف - فیه خود را / ۵. که عبارت از نصف شایع کامل من - جمله شش دانگ قطعه باغچه واقعه در تحت گرداب بردینه خرم - آباد فیلی که نصف دیگرش / ۶. از ورثه مرحوم مبرور منصوربیک غفرله بوده و منتقل به انتقال شرعی به جناب مصالح - معه معظم [علیه] / الی اسمه پذیرفته الی ربع - النصف و بالکلیه محدود است / ۷. به شارع عام و به نهر گرداب بردینه و به باغ مشهدی صفر و به باغچه مصالح - معه معظم الی ذکره مع جمیع ملحقات شرعیه و قاطبه منضمت / ۸. شرعیه و عرفیه ذکر ام لم یذکر وصف اولم یوصف سمی ام - لم بسم من عن اخراج شیء عن - النصف به عالی جناب مقدس - القاب قدوس انتساب / ۹. فضایل و کمالات اکتساب عوارف و معارف آداب سلاله - السادات الاطیاب الايجاب آقا سیدعزیزالله زید فضله - العالی / ۱۰. خلف الصدق مرحمت و غفران - پناه جنّت و رضوان آرامگاه خلد و نعیم جایگاه آقا سید محمدصادق اعلی - الله مقامه / ۱۱. به عوض و مقابل مال - ال مصالحه مبلغ چهارده - تومان ([نصف]: ۷ تومان تبریزی که معادل با موازی یکصد و هفتاد و پنج عدد روپیه سلطانی از قرار / ۱۲. عددی موزونه به دو مثقال هشت - صد دیناری نقد موجود مقبوض فی - ال مجلس عقد مصالحه وثبته صحیحه معتبره شرعیه اسلامیه / ۱۳. مشتمله علی - الايجاب والقبول بالفارسیه والعربییه جاری و ملزم به ضمان درک

^{۱۴}. تصویر مصالحه نامه منظور نظر، توسط هم استانی گرامی و پژوهنده لرستانی جناب آقای سید یدالله ستوده در اختیار بنده گذارده شد. با سپاس از لطف و مرحمت ایشان. از ویژگی های این سند بی نقطه بودن و قدمت تاریخی آن است که به نظر بنده یکی از سندهای مکتوب و نسبتاً قدیمی خطه لرستان به شمار می آید....

^{۱۵}. تصویر این مصالحه نامه را دوست و دلسوز عرصه پژوهش و نشر آثار تاریخ و فرهنگ لرستان جناب آقای سید یدالله ستوده محقق و صاحب امتیاز انتشارات شاپور خواست خرم آباد، در چندین سال پیش به اینجانب مرحمت فرمودند. با سپاس از ایشان.

^{۱۶}. به طور کل فهرست نویسی و تنظیم و توصیف جملگی مصالحه نامه ها و بخصوص عناصر سندشناختی اکثر مصالحه نامه های عهد قاجاریه از یک سبک و سیاق مشخص و همگون پیروی می کنند که امیدوارم با توجه به ساختارشناسی مشترک آنان، این فهرست اندک، برای اهل سند قدری راه گشا بوده باشد. کمترین سعی ام این بود که با استفاده از چکیده تلگرافی شرح سندی مختصر ارائه دهم و از اطناب کلام برحذر؛ و در این میان واژه بندی به اندازه و متناسبی را رعایت کرده باشم.

شرعی گردید. مصالح مذکور از مصالح-به/ ۱۴. که عند کاشف-الفساد او ظهور حق للغير کلاً او جزءاً عیناً ام- منفعه از عهده جواب بیرون-اند عقدالضمان / ۱۵. بالفارسی والعربی نیز جاری شد و فی (فعلی؟) هذا المعالی قطع ملکیت و ازاله حقیقت مصالح از نصف شایع کامل من- جمله [در هامش = جانب راست سند] / باغچه مشخصه محدوده شد و به ملکیت و حقیقت مصالح- معه معظم- الیه قرار / و استقرار شرعی پذیرفت فله- التصرف- فیه بای نوع شاء و کیف اراد / کتصرف- الملاک فی املاکهم و ذوی- الحقوق فی حقوقهم فلیس لاختالت صرف- فیه / الاً باذنه و رضاه وقع ذلک فی رابع شهر ربیع -الاول من-جمله الشهور سنه ۱۲۴۱[ق.] [سجع مهر: گل به قوت/ عزت؟ شکفته چمن؟ / بود قاسم -بن- محمدحسن]

سجلات^{۱۷} (خواشی)

۱. قد اعترف المصالح المعروف بالمصالحة و قبض مالها والضمان الدرک كما حرر فيه لدى الجانی (مهر: یا ارفع من کل رفیع)
۲. بسم الله تعالى. قد وقع الصلح الصحيح الصريح الشرعی الاسلامی كما رقم فيه لدى الراجی (مهر: یا رفیع الدرجات)- (مهر: افوض امری الى الله عبده حسین علی؟)
۳. وقع الصلح وافر بالمصالحة كما حرر (مهر: عباس الموسوی)
۴. قد اعترف بالمصالحة و قبض الثمن لدى الجانی (مهر: افوض امری الى الله عبده نورعلی)
۵. قد اوقعت المصالحة و اجريت الصیغه و قبض مالها لدى الجانی (مهر: محمدجعفر بن صادق الموسوی)
۶. (مهر: المهدی من هدیت ۱۲۲۲)^{۱۸}



^{۱۷}. خیر، گواهی، مکتوب ممهور یا ممضی را سجل یا تصدیق گویند. سند، همانند ترازوی دو کفه ای، متن و سجل دارد. قباله را حداقل یک نفر، امضا یا تسجیل می کرده است. سجلات از حیث رجال شناسی پر اهمیت هستند ... سجلات را می توان به چند دسته شامل: سجل وقوعی، اعترافی، شهودی و سجل مطابقه ای تفکیک کرد. (ن. ک: امید رضایی، همان، ص ۱۴ و ۱۵).

^{۱۸}. سجع مهر آخر متن، در هامش سند دوبار تکرار شده، که سجع یابی آن فقط یک بار صورت پذیرفته است.